

بسم الله الرحمن الرحيم

علم طب در کلام علامه حسن زاده آملی (حفظه الله تعالی)

علم پزشکی از بین رفته بود، بقراط آن را یافت. مرده بود، جالینوس زنده اش کرد. کور بود و حنین چشم های آن را گشود.

پراکنده شده بود و محمد بن زکریا جمعی جمعش کرد و ناقص بود تا این که ابوعلی سینا کاملش کرد.^۱

اول ملتی از قدما که به علم تشریح، اعتنا کرده بود، حکمای اسطخر^۲ فارس بودند، و پس از آنها اطبای مصر و پس از آن

یونانیان در این علم شریف، دقت کردند.^۳

استاد علامه ذوالفنون شعرانی در آغاز نخستین جلسه درس قانونچه فرموده است:

آقا، در حوزه های علمی ما کتب طب، مانند دیگر رشته های علوم تدریس می شد، و علمای ما در علم شریف طب نیز دست

داشته اند. یک عالم دینی در فهم بسیاری از اخبار و حلّ و درک کثیری از مسائل فقهی از قبیل حدود و دیات به طب و

تشریح آن نیازمند است. - آنگاه انگشت شهادتش را در زیر جانب راست فکّ اسفلش نهاد و به مطایبت گفت: - آخوند باید به

تشریح آشنا باشد که لااقل بدانند مثلاً کلیه او در اینجا آویزان نیست.^۴

طیب در میان ابناء خود بدان سعادت و مقام و مرتبت است که به مظهر بودن اسم شریفه «محبی» که از اسمای بزرگ الهی

است، نایل آمده است. استاد بزرگوارم، آیت دین، جناب حاج میرزا مهدی الهی قمشه ای، در جلسه درسی حکایت فرمود که:

در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) طبیبی یهودی در گذشت. آن حضرت را از وفات وی خبر دادند، رسول اکرم

(ص) از شنیدن آن اظهار تأسف کرد؛ عرض نمودند یا رسول الله، این متوفی یهودی بوده است؛ فرمودند: مگر نمی گویند

طیب بوده است!^۵

^۱ طب و طبیب و تشریح، ص ۶۲

^۲ این شهر تا پایان پادشاهی ساسانیان از آبادترین و باشکوه ترین شهرهای ایران باستان بود.

^۳ طب و طبیب و تشریح، ص ۵۲

^۴ هزار و یک کلمه؛ ج ۱، کلمه یک، ص ۱۹

^۵ طب و طبیب و تشریح، ص ۱۶